

## تحلیل و بررسی تهدیدات امنیت ملی در مناطق مرزی (مطالعه موردی: استان کردستان)

بهروز مرادی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی<sup>۱</sup>

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

زین العابدین کرمی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

فرزان کفاشان طوسی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۰

### چکیده

منشأ بسیار از تهدیدات امنیت ملی مانند قاچاق، مهاجرت‌های غیرقانونی، تروریسم، جدایی‌طلبی و تجزیه‌طلبی مرزها هستند. مرزهای ایران نیز اهمیت زیادی در امنیت ملی دارند. استان مرزی کردستان از جمله مناطق مرزی ایران است که حائز نقش مهمی در امنیت ملی ایران است. هدف اصلی این مقاله بررسی مناطق مرزی از زاویه تهدیدات امنیت ملی است. سؤال اصلی مقاله این است که مهم‌ترین تهدیدات مرزها و به ویژه مرزهای ایران در استان کردستان برای امنیت ملی کدام‌اند؟ فرضیه‌ای را که نویسندگان در پی آزمون آن هستند این است که مرز ایران در استان کردستان دارای تهدیدات سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی برای امنیت ملی ایران است. روش مقاله توصیفی تحلیلی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مهم‌ترین تهدیدات امنیت ملی ایران در استان کردستان شامل قاچاق بی‌رویه، فعالیت گروه‌های تروریستی دارای آرمان‌های جدایی‌طلبی و تجزیه‌طلبانه و تهدیدات سیاسی و نظامی و امنیتی پیرامونی و فرا پیرامونی است.

**واژگان کلیدی:** امنیت، مناطق مرزی، امنیت ملی، استان کردستان.

## مقدمه

امروزه مرزهای سرزمینی<sup>۱</sup> در زمره یکی از مهم‌ترین مسائل ملی و بین‌المللی به شمار می‌روند. از منظر فلسفه سیاسی سیاسی مرزهای جغرافیایی، یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده دولت‌های مدرن است. مناطق مرزی محل وقوع تحولات مختلفی هستند که هرکدام می‌تواند سرمنشأ اتفاقات بزرگ و کوچک باشند؛ بنابراین باید به طور ویژه‌ای به این مناطق و مردم آن توجه کرد. تأمین امنیت ملی از اولویت‌های دولت‌ها در سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای محسوب گردیده که همواره در تدوین آن تلاش می‌شود؛ تهدیدها، چالش‌ها و فرصت‌ها شناسایی و نیز تأثیر مکان‌های مختلف جغرافیایی بر آن مدنظر قرار گیرد. امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به‌کارگیری اقتصاد، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. از این رو در شناخت ظرفیت‌های مناطق جغرافیایی و میزان تأثیرگذاری هر یک از آن‌ها بر امنیت ملی سعی می‌شود تهدیدها شناسایی و در جهت مقابله با آن و نیز تبدیل چالش‌ها به فرصت اقدام لازم صورت پذیرد. توجه به مشکلات و مسائل مرزنشینان و اهتمام برای رفع آن‌ها، می‌تواند موجب امنیت مرزها و رشد اشتغال در منطقه شود؛ رشد و ارتقاء معیشت مرزنشینان، باعث می‌شود امنیت پایدار در مرزها تقویت شده و زمینه آبادانی را فراهم کند که تمامیت ارضی، استقلال ملی، حاکمیت حکومت و امنیت داخلی، در گرو داشتن مرزهای مطمئن و کنترل شده است. وضعیت مرز در اوضاع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور تأثیر مستقیم دارد. هیچ یک از برنامه‌های توسعه دولت محقق نمی‌شود، مگر اینکه مرزهای کشور به دقت کنترل و مراقبت شود. مرزهای هر کشور تأثیر عمیقی بر چگونگی فعالیت‌های اقتصادی، روابط و مبادلات مرزی و مرزنشینان و نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی مناسبات اقتصادی میان دولت‌ها دارد.

تأثیر وضعیت مرزها در اوضاع داخلی کشور بسیار گسترده است؛ به طوری که مرزهای باز و کنترل نشده، باعث به هم ریختگی ارکان اقتصادی داخل کشور خواهد شد؛ چراکه وجود تفاوت در قدرت اقتصادی ۲ کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا و خدمات و تسهیلات و بازار کار در دو سوی مرز می‌شود، باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از اقتصاد ضعیف‌تری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و تردد غیرمجاز و غیرقانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز کنند و برای اینکه در داخل کشور شرایط و امکانات لازم برای شکوفایی اقتصادی فراهم آید، باید مرزهای مطمئن و کنترل شده وجود داشته باشد. برای بررسی تأثیر مناطق مرزی بر امنیت ملی یک کشور ابتدا بایستی عواملی را که باعث ایجاد امنیت و یا ناامنی در مناطق مرزی می‌شوند را شناسایی و بررسی کرد و بعد تأثیر وجود امنیت و ناامنی در این مناطق بر امنیت ملی را. مسئله موردنظر در این تحقیق توجه به وضعیت خاص امنیتی مناطق مورد بحث از جنبه‌های مختلف جغرافیای نظامی، سیاسی و... به منظور شناسایی پارامترهای اصلی تأثیرگذار در ایجاد بحران‌های مرزی<sup>۲</sup> است. در این راستا شناسایی عوامل و چالش‌های داخلی و خارجی در جهت پیش‌بینی و اقدام به موقع بسیار با اهمیت است و به عنوان یک مسئله حیاتی در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود؛ چرا که

<sup>۱</sup>. Territorial boundaries

<sup>۲</sup>. Border crisis

اخلال در امنیت داخلی یک منطقه یا استان در صورت ادامه دار شدن منجر به ایجاد بحران در سطح ملی و به خطر افتادن منافع و امنیت ملی می‌شود. خطوط مرزهای سیاسی به علت جداسازی واحدهای مستقل و در برخی موارد نیمه مستقل سیاسی در طول تاریخ به خاطر اعطای هویت ملی به دولت‌های ملی و محلی از اهمیت خاص سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار است (جدال و جینسولین ۱، ۲۰۰۳: ۱۴). مرز و سرزمین گرایی اغلب باعث ایجاد درگیری و تنش شده و تحلیل تدریجی امنیت در روابط بین الملل، موجب می‌شود مرزهایی که وابستگی کمتری به واقعیت‌های طبیعی، فرهنگی و یا اقتصادی دارند، از نظر ژئوپولیتیک به نقاط چالش برانگیز مبدل شود. تجربیات تاریخی نشان می‌دهد که این گونه مرزها باید به دقت تحت نظارت و واپایش باشند تا از بروز مشکلات ناگهانی و ناامنی‌های غیرمترقبه جلوگیری شود (کالینز، ۱۳۸۵: ۱۹۰). علت بی ثباتی در مرزهای فرهنگی به علت مرزگذاری‌های جدیدی است که حاصل سیاست‌های امپریالیستی قرون معاصر است. حاصل این مرزهای ۱۰۰-۱۵۰ ساله، تولید هویت کاذبی است که اختلافات منطقه‌ای را گسترش داده و در نتیجه موجب تنش‌ها و درگیری‌های دائم مرزی می‌شود. قرار گرفتن ایران در مرکزیت و محوریت حوزه‌های ژئوپولیتیک خلیج فارس و دریای عمان، اقیانوس هند، آسیای مرکزی، قفقاز و تسلط بر کانون‌های بیضی شکل راهبردی انرژی خاورمیانه، نقش بنیادی و اساسی در راهبردهای ژئوپولیتیکی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. فضاهای ژئوپولیتیک شمال، جنوب و شرق همچنین غرب کشور و اهمیت آن در برقراری و حفظ امنیت جمهوری اسلامی ایران بر همگان آشکار و مبرهن است (رمضانی لشکریانی و کوثر حاجی پور، حسن کیاده، ۱۳۹۱: ۱۵). هدف اصلی این مقاله بررسی مناطق مرزی از زاویه تهدیدات امنیت ملی است. سؤال اصلی مقاله این است که مهم‌ترین تهدیدات مرزها و به ویژه مرزهای ایران در استان کردستان برای امنیت ملی کدام‌اند؟ فرضیه‌ای را که نویسندگان در پی آزمون آن هستند این است که مرز ایران در استان کردستان دارای تهدیدات سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی برای امنیت ملی ایران است. روش مقاله توصیفی تحلیلی است.

### رویکرد نظری

علم جغرافیا از بدو آفرینش بر روی این کره خاکی به صورت‌های مختلف در فعالیت‌های گوناگون آن از جمله تأمین امنیت نقش به‌سزایی داشته است. واژه امنیت به‌عنوان یک مفهوم عام تمام شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. در واقع امنیت تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده است و همه موجودات در تقلا بقا و حفظ وجود و حیات سالم خود هستند و امنیت عامل این نیاز اساسی و حیاتی است؛ بنابراین امنیت مهم‌ترین آرمان انسان و موجود زنده تلقی می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص ۳۲۵). امنیت ملی اساساً تعبیری نوین است که با تکوین دولت‌های ملی معنا و مفهوم یافته است. لذا امنیت ملی با تأکید بر حفظ قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه حکومت و اعمال حاکمیت در امور داخلی و خارجی بر علیه نفوذ بیگانگان و جلوگیری از هرگونه عملیات غیر قانونی که منظور آن تضعیف یا انهدام حکومت و ملت باشد، دلالت می‌کند که همواره

در کنار امنیت داخلی که شامل اقداماتی به منظور جلوگیری از عملیات دشمن (غیر از حمله نظامی) علیه منابع، صنایع و تأسیسات خودی به عمل می‌آید، مورد بررسی قرار می‌گیرد (رستمی، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

عوامل بالقوه و بالفعل بی‌ثباتی‌های نظامی، سیاسی و اجتماعی در جامعه در سطوح منطقه‌ای، ملی و جهانی می‌پردازد که به نوعی موجب تهدید امنیت ملی و داخلی کشور می‌شوند و راه کارهای منطقی را برای فائق شدن بر این ناامنی‌ها در برهه زمانی میان مدت و بلند مدت به تصمیم‌گیرندگان سازمان‌ها و ارگان‌های امنیتی کشور گوشزد می‌کند (مقدم و قشلاقی، ۱۳۹۱: ۱۹۶؛ حسین پور پویان، ۱۳۸۶: ۸۸). امنیت در لغت به معنای ایمن شدن و در امان بودن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۸۹۴). آرنولد و لفرز در تعریف این واژه می‌گویند: «امنیت در یک مفهوم عینی به فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌های اکتسابی تلقی می‌شود» (ترابی، ۱۳۷۹: ۱۸۰). جان مروز می‌گوید: «امنیت عبارت است از آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک» (میرعرب، ۱۳۸۱: ۱۳۷). تعریف دیگر برای امنیت این است که «امنیت عبارت است از رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند» (میرعرب، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است. در ضمن وجود همین خطوط است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می‌سازد. خطوط مرزی خطوط اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تهدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند. چنانچه منظور از واحد سیاسی دولت باشد، خطوطی که سرزمین یک دولت را از دولت همسایه جدا می‌سازد، به مرزهای بین‌المللی معروف است. مرزهای بین‌المللی در شکل و نوع مناسبات سیاسی، اقتصادی میان دولت‌ها نقش برجسته‌ای برعهده دارند و مرزها، کنش متقابل مرز نشینان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند (میرحیدر- ۱۳۸۰: ۶۱-۶۲). به طور خلاصه می‌توان مرز را این گونه تعریف کرد:

مرز به پدیده‌های فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا و... مانع ایجاد می‌کند» (درایسدل و بلیک ۱، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱). هرچند که مرز به تنهایی دارای یک نقش و کارکرد است و آن تحدید حدود منطقه‌ای است که در آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود؛ ولی به محض اینکه یک منطقه مرزی و یا خط مرزی به وجود آمد، نه تنها می‌تواند منظره طبیعی را که جزئی از آن به شمار می‌رود، بلکه عمران و سیاست کشورهای مجاور را نیز تحت تأثیر قرار دهد (پرسکات، ۱۳۵۸: ۶۱). برخی از جغرافی‌دانان و کارشناسان، پنج کارکرد اساسی و مهم برای مرزها در نظر می‌گیرند:

۱- کارکرد دفاعی: این کارکرد و نقش، از سنتی‌ترین نقش‌های مرز به شمار می‌رود.

در این زمینه مرز با توجه به ساختار فیزیکی و ساختمان طبیعی، می‌تواند عامل مهمی در تأمین امنیت و ایجاد پدافند در برابر تهدیدها، هجوم‌ها و نفوذهای بیرونی باشد.

۲- کارکرد سیاسی: سیستم سیاسی بین المللی از تعدادی زیر سیستم تشکیل شده است که در بین آنها کشورهای دارای اقتدار از اهمیت بیشتری برخوردارند. از آنجا که هریک از این سیستم ها به وسیله خطوط مرزی از یکدیگر جدا می شوند، خطوط مرزی در سیستم بین المللی اهمیت فراوانی دارند.

۳- کارکرد اجتماعی: عملاً مرزها محدوده‌هایی را محصور می کنند که دارای جمعیت‌هایی از لحاظ اجتماعی یکپارچه هستند. از آنجا که کشوری سعی می کند از ویژگی ها و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ملت خود صیانت کند بنابراین مرزها در این زمینه اهمیت می یابند.

۴- کارکرد اقتصادی: کشورها از طریق مرزهای بین المللی به عنوان زیر سیستم های اقتصاد جهانی هویت می یابند و هر کشوری دارای سیاست و برنامه اقتصادی مجزایی است که نسبت به منافع و مصلحت خود، آن را تنظیم می کند و از طرفی مرزها می توانند در مقابل برنامه‌ها و تهدیدهایی که اقتصادشان را به مخاطره می اندازد مانع ایجاد کنند (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۲۷).

۵- کارکرد امنیتی: هدف غایی و نهایی یک حکومت، تأمین امنیت کشور است. در دنیای امروز مفهوم امنیت بسیار گسترده شده و فراهم آوردن و ایجاد امنیت همه جانبه که همگی ابعاد امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شود مستلزم این است که پیوند امنیت و سیاست خارجی را مد نظر قرار دهیم (سجادپور، ۱۳۸۳: ۲۳). بر همین اساس اصلی ترین دلیل ایجاد مرز را می توان امنیت عنوان کرد.

موضوع امنیت پیشینه ای به قدمت تاریخ جهان دارد. در عین حال در هر دوره تاریخی برداشت جدیدی از این مفهوم به دست می آید؛ امنیت ملی از دو بخش کاملاً به هم مرتبط امنیت داخلی و امنیت خارجی شکل گرفته است. تقویت و تضعیف یکی تقویت و تضعیف دیگری را به دنبال خواهد داشت. در بعد داخلی محافظت کشور در مقابل پدیده‌هایی نظیر وقوع بحران های داخلی، هرج و مرج، افزایش خشونت، بی ثباتی سیاسی و همچنین ایجاد فضای مناسب در جهت افزایش اقتدار ملی است. در بعد خارجی در جهت تأمین استقلال کشور و حفاظت از منافع و ارزش های ملی در مقابل هجوم دول متعارض، حفظ تمامیت ارضی کشور و تأمین و تعقیب منافع ملی با افزایش دایره نفوذ خود است. دولت‌ها با توجه به شناختی که از اهداف ملی خود دارند سیاست خارجی شان را تنظیم می کنند. امنیت ملی به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه‌های ملی، دولت‌ها را وادار می کند که از طریق درک نظام بین المللی، افزایش قدرت ملی و نحوه تعارض منافع ملی دولت‌ها، به این امر بپردازند.

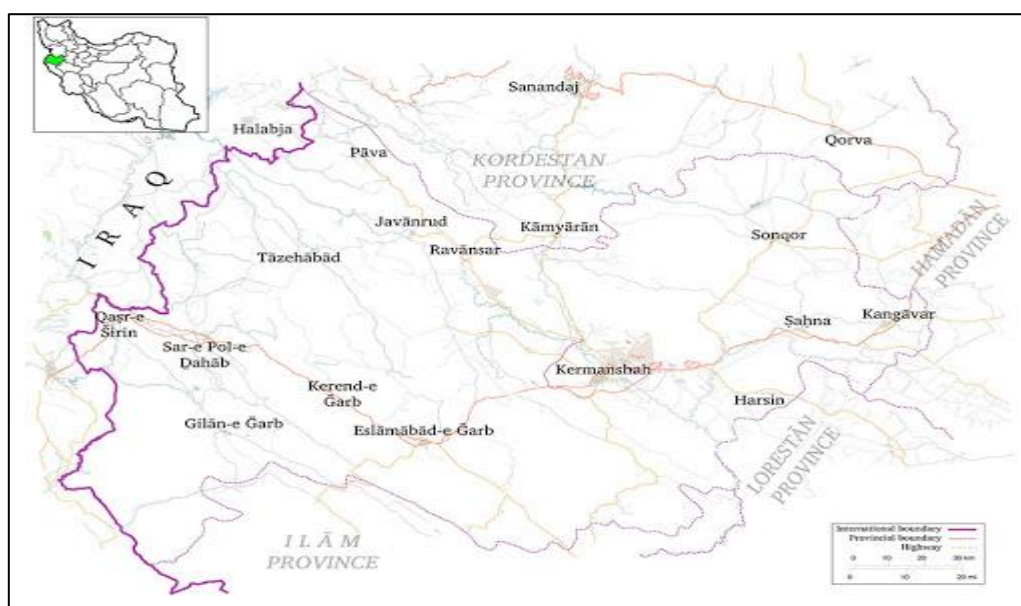
امروزه و در عصر جهانی شدن نیز به دلیل یک دست شدن جامعه جهانی همه مسایل به یکدیگر مرتبط و نزدیک می‌شود که یکی از این مسایل امنیت است. به عبارت دیگر در چنین محیط جهانی، امنیت یک کشور معادل امنیت همه است و برعکس؛ یعنی مفهوم امنیت یک مفهوم متقابل، مساوی و یکسان برای همه دولت‌هاست؛ به این دلیل هر رویدادی که در یک ناحیه اتفاق می افتد در نواحی دور و نزدیک تأثیر می گذارد.

بر همین اساس اصلی ترین دلیل ایجاد مرز را می توان امنیت عنوان کرد. امنیت از روزگارهای قدیم باعث شده که حکومت‌ها یک حد و قلمرویی برای سرزمین خود انتخاب کرده و از آن دفاع می کنند. امروزه نیز خطوط

مرزی نقش امنیتی و حفظ امنیت سرزمینی کشورها و منافع آنان را با کارکردهای جدید دارند. ریشه عمده‌ای از مشکل‌هایی را که در داخل کشور بروز می‌کند، باید در مرزها جستجو کرد؛ زیرا ورود و خروج هرگونه اشخاص و کالاهای قاچاق، مواد مخدر و وسایل منکراتی که باعث اختلال در سیستم اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و بهداشتی می‌شود، از طریق مرزها انجام می‌گیرد و اگر واپایش مطلوبی در مرزها انجام شود، نه تنها امنیت در مرز بلکه در داخل کشور هم تأمین خواهد شد. تأمین امنیت ملی، فراتر از ابزارهای نظامی و قابلیت‌های جنگاورانه، نیازمند توجه به عوامل غیر نظامی نیز دارد. حتی فراتر از رشد و توسعه اقتصادی، باید به فرایندهایی نظیر توسعه سیاسی، مشارکت مردمی، مشروعیت رژیم سیاسی، انسجام و یکپارچگی ملی و توسعه فرهنگی در تأمین امنیت توجه داشت. به عبارت دیگر امنیت ملی محصول منطقی حضور تمامی مؤلفه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و... است.

### منطقه مورد مطالعه

۳۱ استان ایران، ۱۶ استان مرزی هستند که از میان آنها، ۹ استان تنها مرز زمینی (اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، ایلام، خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی) دارند. ۳ تای آنها فقط از راه دریا (مازندران، هرمزگان و بوشهر) مرز دارند و ۴ تا از استان‌ها هم هر دو مرز زمینی و دریایی (گیلان، گلستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان) را دارا می‌باشند. استان کرمانشاه در غرب ایران، با مساحتی حدود ۲۴ هزار و ۴۳۴ کیلومتر مربع واقع شده است. این استان از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان‌های لرستان و ایلام، از شرق به استان همدان و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. مرکز استان کرمانشاه، شهر کرمانشاه است و شهرهای مهم این استان عبارتند از: اسلام‌آباد غرب، پاوه، جوانرود، سرپل ذهاب، سنقر، صحنه، قصر شیرین، کنگاور، گیلان غرب، هریس (میره‌ای و همکاران، ۱۳۹۵).



نقشه شماره ۱- استان کرمانشاه

منبع: (<http://www.ostan-ks.ir>)

استان کرمانشاه جزو نواحی کوهستانی کشور به شمار می‌آید که بین فلات ایران و جلگه بین‌النهرین واقع شده است. همچنین این استان در قسمت شمال غربی کوه زاگرس قرار گرفته که همین باعث شده، سراسر منطقه تحت پوشش قله‌ها و ارتفاعات این رشته کوه قرار گیرد. بر اساس نظریه زمین‌شناسان؛ استان کرمانشاه در دوران‌های مختلف زمین‌شناسی، بر اثر حرکت صفحه آفریقا- عربستان، به سمت صفحه ایران و در نتیجه پیدایش چین خوردگی و رسوبات دوران دوم و اوایل دوران سوم تشکیل شده است. ارتفاعات و چاله‌های موجود در منطقه، بعد از پیدایش، تحت تاثیر عوامل فرسایشی قرار گرفته است. جنس مواد تشکیل دهنده ناهمواری‌ها، اغلب رسوبی و از نوع آهک است که نمونه بارز آن کوه بیستون کوه‌بیستونو کوه پرآو یا پرآب است (هاشمی، ۱۳۹۲). از مهم‌ترین کوه‌های این استان می‌توان کوه‌های دالاهو، کوه‌های پرآو یا پرآب، کوه شاهو، کمر زرد، هزار خانی پایین، دالاخانی، کوه بدر، سیروله، بازی دراز و کوه سه سر را نام برد. وجود مجموعه‌ای از رشته کوه‌های موازی در استان، باعث پیدایش دشت‌های مرتفع کوهستانی در میان این رشته کوه‌ها شده است. از مهم‌ترین پهنه هموار استان می‌توان ماهیدشت در جنوب غرب کرمانشاه را ذکر کرد. از دیگر دشت‌های وسیع سرسبز استان می‌توان به دشت حسن آباد، گاور، دیره، دینور، چم جمال، اسلام آباد و کرند، بشیوه پاتاق، ذهاب و سومار اشاره کرد. آب و هوای استان کرمانشاه تحت تاثیر عبور جریان هوایی مدیترانه‌ای و مناطق کوهستانی قرار دارد که به طور کلی به دو منطقه گرمسیری در غرب و سردسیری در سایر نواحی تقسیم می‌شود. ولی با این وجود می‌توان چهار نوع اقلیم متفاوت را برای استان بیان کرد که عبارتند از: زمستان ملایم و تابستان گرم و خشک در شهرستان‌های چون: قصر شیرین، سرپل ذهاب و دهستان ازگله. زمستان سرد و تابستان خنک در پاوه، جوانرود و کرند. اقلیم نیمه خشک و استپی خنک در شهرستان‌هایی مانند سنقر و دهستان پشت دربند. آب و هوای نیمه خشک و استپی گرم در کنگاور، صحنه و هرسین (استانداری استان کرمانشاه، ۱۳۹۸). چمچال‌بادهای مهم استان کرمانشاه عبارتند از:

بادهای غربی که رطوبت نسبی اقیانوس اطلس و مدیترانه را همراه داشته و باعث بارندگی در منطقه می‌شود و اغلب در زمستان و بهار جریان دارد، نوع دوم؛ بادهای شمال هستند که این بادهای فصل تابستان می‌وزند و در اعتدال آب و هوای بخش از استان و کاهش گرمای آن موثرند، بادهای سام یا سموم نوع سوم بادهای هستند؛ فقط در منطقه نوار مرزی می‌وزند و هوای منطقه را در تابستان‌ها بسیار گرم و غیر قابل تحمل ساخته و خسارت‌های زیادی به جا می‌گذارد. همچنین استان کرمانشاه دارای چهار حوزه آبریزی با رودخانه‌هایی به شرح زیر است: حوزه آبریز سیروان شامل آب لیل، زیمکان، آب زرشک، مره خلیل، گاو رود، علیا یا گاو وهره و آب شمشیر، حوزه آبریزگاه یا گاماسیاب و یا گاو ماسی شامل رودخانه‌های گاماسیاب، جامیشان و دینور، حوزه آبریز قره سو مشتمل بر رودخانه قره سو، رازآور، مرگ و قسمتی از حوزه آبریز سیمره، رود اروند رود و هزارخانی و اما چهارمین حوزه آبریز، حوزه آبریز الوند است که شامل رودخانه‌های الوند، دیره، گیلان غرب، قوره سو، چم امام حسن، آب ماهیت یا آو ماهیت می‌شود. از دیگر رودخانه‌های این استان هواسان، کنگر و آب نعمت است.

بر اساس شواهد و مدارک باستان‌شناسی، استان کرمانشاه، جزو اولین زیستگاه‌های انسان و از مراکز مهم جمعیتی در زاگرس میانی، به شمار می‌رود. تمامی ادوار زندگی انسان از دوره سنگی و دوره‌های تمدن پیش از تاریخ تا تشکیل حکومت‌های بزرگ، سیر تحول خود را در این محدوده طی کرده است. براساس مدارک موجود باستان‌شناسی،

انسان‌های اولیه، حدود ۹ هزار سال پیش پس از ترک زندگی غارنشینی و روی آوردن به یک جانشینی، این منطقه را به عنوان محل سکونت خود انتخاب کرده و در آن جا ساکن شدند؛ بنابراین می‌توان گفت؛ نخستین روستای خاورمیانه در دوران نوسنگی از سال ۹۸۰۰ ق. م تا ۷۴۰۰ ق. م، در این منطقه شکل گرفته است. پس از مهاجرت اقوام آریایی در هزاره سوم و چهارم ق. م، دامنه کوه‌های زاگرس این منطقه به یکی از مراکز مهم تجاری و بازرگانی تبدیل شد. بازرگانان این منطقه با بازرگانان شوش و بین‌النهرین داد و ستد و تبادل کالا داشتند. این مهاجرت تاریخی بعدها به مهاجرت «گوتی» یا «کاسی» مشهور شد. ذکر طوایفی که در زاگرس سکونت داشته‌اند در کتیبه‌های سارگن پادشاه اکد که در سالهای ۲۰۳۰ تا ۲۰۴۸ ق. م، بر جنوب بین‌النهرین حکومت داشت، آمده است. ساکنان این منطقه شامل طوایفی به نام لولوبی، گوتی، منابی، نایری، آمادا، پارسوا هستند. لولوبی‌ها از اجداد لرهای ایران هستند که در گذشته در سرپل ذهاب و سلیمانیه کردستان عراق که بخشی از ایران محسوب می‌شد، ساکن بودند (یسازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۸). در دوره ساسانی، استان کرمانشاه بیش از هر دوره دیگری از اعتبار و رونق خاصی برخوردار بود. شهریاران ساسانی به علت نزدیکی این منطقه به پایتخت آن‌ها یعنی تیسفون ایام تابستان را در قصرهای ییلاقی این منطقه می‌گذراندند. این استان در گذشته به عنوان دومین پایتخت ساسانیان مورد توجه حکومت بود و همین باعث به جا ماندن آثار بسیار زیاد و ارزشمندی در این استان مانند طاق بستان، کتیبه بیستون و معبد آناهیتا شده است. کرمانشاه در متون کهن پهلوی از جمله کارنامه اردشیر بابکان که مهم‌ترین سند پهلوی جهان است به نام «کردان شاه» آورده شده است. نام کرمانشاه یا کردان شاه را بهرام چهارم ساسانی که به مدت ۱۱ سال، حکومت ساسانی را بر عهده داشت - از سال ۳۸۸ تا ۳۹۹ میلادی - بر این منطقه گذاشته است. سیستم حکومتی ایران باستان به این گونه بود که تمامی شهرها پادشاهی از همان منطقه داشتند و همه این پادشاهان زیر نظر شاه شاهان که شاهنشاه نامیده می‌شده بودند. کتب باستانی ایران ساخت کرمانشاه را به طهمورث دیو بند نسبت داده است (فرمانداری کرمانشاه، ۱۳۹۸).

پس از حمله اعراب به ایران به فرماندهی سعد جریر در سال ۶۴۰ م و فتح کرمانشاه، این منطقه به کلی ویران و از جمعیت آن کاسته شد، در پی این حملات مردم کرمانشاه به شهر دینور مهاجرت کردند و بعد از آن از اوایل قرن دوم هـ ق، مردم کرمانشاه شهری در حاشیه رود قره سو ساختند و در زمان حکومت عباسیان به علت موقعیت استراتژیک خود یکی از چهار شهر مهم عراق عجم به حساب می‌آمد. کرمانشاه در دوره حکومت سلجوقی‌ها به طور رسمی کردستان نامیده شد. با حمله سپاه مغول به ایران در سال ۱۲۲۰ م، بار دیگر این منطقه ویران شد و در زمان لشکرکشی هلاکوخان به بغداد خسارات زیادی را متحمل شد. در دوران صفویان و در زمان حکومت شاه صفی، جنگ‌های میان دولت ایران و دولت عثمانی با انعقاد قرارداد ذهاب در سال ۱۰۱۸ هـ ش، پایان یافت و بدین ترتیب کرمانشاه از عصر شاه صفی تا پایان دوره صفویه دورانی از آرامش همراه با پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را گذراند. در عصر افشاریه؛ به دلیل وجود توپخانه نادری در کرمانشاه این شهر اهمیت نظامی یافت و به جبهه جنگ نادر شاه با دولت عثمانی تبدیل شد. در دوران زندیه، این منطقه توسط، الله قلی خان زنگنه اداره می‌شد ولی در پی مرگ کریم خان، وی به عنوان یکی از مدعیان قدرت، برای دستیابی به تاج و تخت باعث بروز جنگ و وارد آمدن خسارت‌های فراوان در منطقه شد.



دولت قاجار نیز خدماتی را برای کرمانشاه به ارمغان آوردند. فتح‌لیشاه قاجار برای کوتاه کردن دست عثمانی‌ها در سال ۱۱۸۴ هـ. ش، فرزند خود محمد علی میرزای دولتشاه را برای سرکوب تجاوزهای عثمانی به حکومت کرمانشاهان منصوب کرد. در پی این انتصاب، وی این شهر را پایتخت خود قرار داد و بناهای بسیاری از جمله: دیوانخانه، حمام‌ها، مساجد و بسیاری دیگر را ساخت. فرزند دولتشاه بستان‌السیاحه، ۲۵ سال حاکم کرمانشاه بود و در راه آبادانی شهر کوشش نمود. بنای بازار مسقف فعلی و مسجد عمادالدوله یادگاری اوست. کرمانشاه در جنگ جهانی اول و دوم به تصرف نیروهای خارجی درآمد و پس از پایان جنگ تخلیه شد. صدمات و خسارت‌های وارد شده به کرمانشاه و حتی کتیبه جهانی بیستون نشان دهنده ولی این جریان؛ اهمیت و موقعیت سوق الجیشی این منطقه در آن دوره بوده است (اشتانداری کرمانشاه، ۱۳۹۸).

در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی حکومت مرکزی توانست تا اندازه‌ای نفوذ و قدرت خود را در سراسر ایران تامین نماید و به آبادانی این منطقه در این دوره افزوده شد. متأسفانه در طول مدت ۸ سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بار دیگر این استان متحمل خسارت‌های فراوانی گردید؛ که طی سال‌های بعد از جنگ مرمت و بازسازی شدند. استان کرمانشاه یکی از استانهای کردنشین کشور محسوب می‌شود. ساکنین این استان را کردها که از اقوام اصیل آریایی هستند تشکیل می‌دهند. غیر از ساکنین بومی، اقوام دیگری چون: ارمنی، ترک، عرب، لر و لک نیز در پی مهاجرت به این منطقه آمده و در آنجا ساکن شده‌اند؛ بنابراین از رایج‌ترین زبان‌های مورد استفاده در استان زبان کردی و زبان فارسی کرمانشاهی هستند. سابقه تاریخی کردها موجب پیدایش گویشهای بی شماری شده است که برخی از آنها عبارتند از: گویش کردی کلهری، گویش کردی اورامی، گویش کردی سورانی، گویش لکی. زبان کردی دارای چهار شاخه اصلی و شصت گونه گویشی را در بر می‌گیرد که چهار شاخه اصلی زبان کردی شامل: کرمانجی شمال، کرمانجی جنوب، کردی کرمانشاهی، اورامی و گوران است که هر یک گویشهای خاصی را شامل می‌شود. زبان کنونی مردم کرمانشاه و کردستان بدون هیچ شک و شبهه‌ای از پهلوی و اوستایی ایران گرفته شده است. مهم‌ترین سند ریشه پهلوی زبان کردی سروده‌های باباطاهر عریان شاعر بلند آوازه ایران است که به لهجه محلی می‌باشد و از واژه‌های پهلوی یا همان کوردی امروزی استفاده کرده است. جدای از این گویش‌ها، به دلیل مهاجرت اقوام مختلف زبان‌های دیگری نیز در استان مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارتند از: زبانهای ارمنی، ترکی، عربی و لری (سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کرمانشاه، ۱۳۹۸).

استان کرمانشاه از مراکز مهم جامعه عشایر کشور محسوب می‌شود. ساکنین این استان از قدیم، زندگی کوچ نشینی و عشایری همراه با دامداری داشته‌اند. مهم‌ترین عشایر و ایلات این منطقه عبارتند از: ایل گوران، ایل سنجابی، ایل کلهر، ایل نیروگاه حرارتی بیستونترکاشوند، ذوله، کمرند، بالوند یا زردبلان، ثلاث باباجانی، قبادی، جمیر یا جمهور و بان زدره. اقتصاد معیشتی ایل و عشایر استان به پرورش دام وابسته است و در عین حال؛ وجود مراتع غنی در دامنه‌های زاگرس، داشتن استعداد های ویژه در زمینه آب و خاک آن را در ردیف یکی از قطب مهم دامپروری و کشاورزی در سطح کشور قرار داده است. همچنین وجود منابع آبی فراوان از جمله؛ رودخانه‌های دایمی، چشمه‌ها، آبگیرها و تالاب‌ها شرایط مناسبی جهت توسعه پرورش ماهی در استان ایجاد نموده است. از دیگر منابع اقتصادی استان زنبور داری و پرورش طیور است. در بخش کشاورزی، استان کرمانشاه به علت داشتن شرایط خاص اقلیمی و

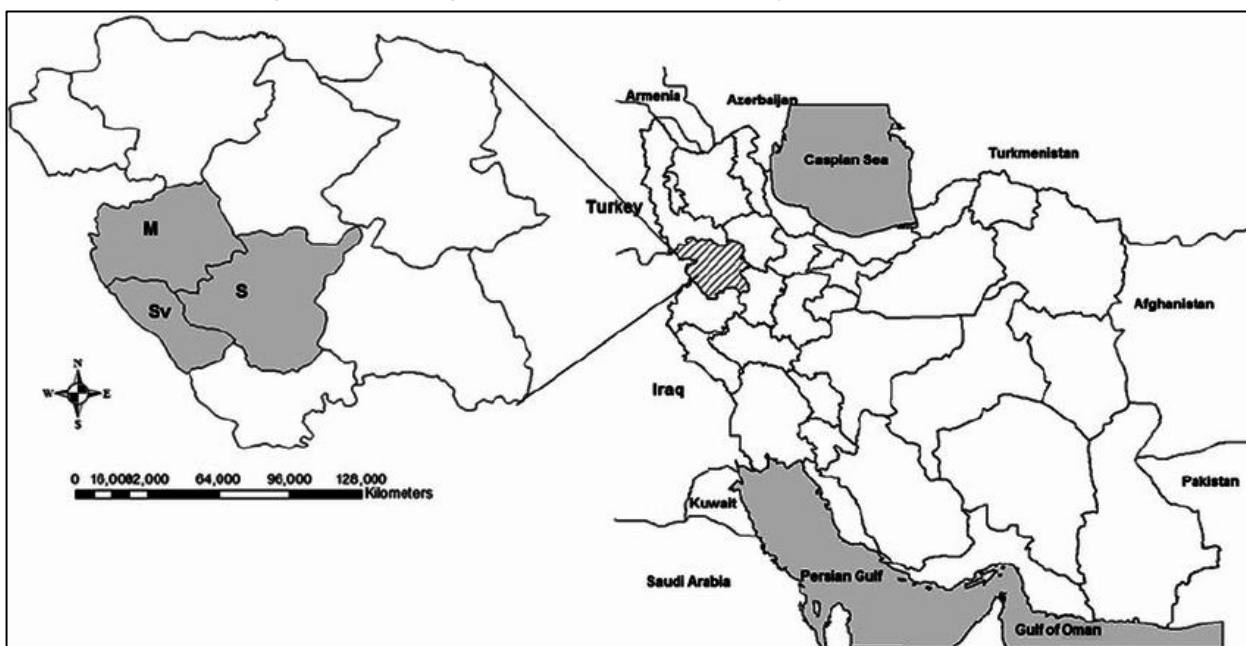
وجود خاک های زراعی مرغوب، آب فراوان، دشت‌های وسیع و دره‌های حاصلخیز و طولانی یکی از نواحی مستعد کشاورزی در کشور به شمار می‌آید که امکانات بالقوه بسیار بالایی برای توسعه کشاورزی برخوردار است. از مهم ترین محصولات کشاورزی این استان می‌توان: گندم، جو، چغندر قند، برنج، صیفی، سبزی و میوه‌هایی از قبیل انار، بادامکوارتزی، خرما، سیب، گردو و مرکبات را نام برد. استان کرمانشاه همچنین در بخش صنعت، فعالیت‌های چشمگیری دارد. واحد های صنعتی پالایشگاه نفت، نیرو گاه حرارتی بیستون، کارخانه نساجی غرب، پشم ریزی غرب، پشم بافی کشمیر، کارخانه تولید انواع سیم و کابل برق، کارخانه رنگ سازی، کارخانه تولید نایلون، خوراک دام و طیور از جمله آن هاست. همچنین؛ پتروشیمی کرمانشاه، مجتمع شیمیایی بیستون، باختر بیوشیمی و کیمیای غرب‌گستر، سیمان غرب، چینی کرد، کاشی بیستون و کاشی کرد از مهم ترین واحدهای صنعتی استان است. از نظر ذخایر معدنی نیز این استان حائز اهمیت می‌باشد که عمده‌ترین آنها عبارتند از آهن، سرب، گوگرد، آلومیت، کوارتزیت (وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۸).

## ۲- استان کردستان

استان کردستان با مساحتی حدود ۲۸ هزار و ۲۳۵ کیلومتر مربع در غرب ایران، قرار دارد. این استان از شمال با استان‌های آذربایجان غربی و زنجان، از شرق با استان‌های همدان و زنجان، از جنوب با استان کرمانشاه و از غرب با کشور عراق همسایه است. مرکز استان کردستان، شهر سنندج است و از شهرهای مهم آن می‌توان به شهرهای بانه، بیجار، دیواندره، سقز، قروه، کامیاران، مریوان اشاره کرد. استان کردستان از لحاظ اقلیمی و طبیعی، یکی از مناطق کوهستانی کشور با دشت‌های مرتفع و دره‌های وسیع در سراسر منطقه است. این استان از مریوان شروع شده و تا دره قزل اوزن و کوه‌های زنجان جنوبی در شرق ادامه می‌یابد. رشته کوه‌های غرب کشور به صورت رشته‌هایی موازی، تمامی پهنه استان را در بر گرفته و محدوده طبیعی آن را تشکیل می‌دهند. ناهمواریهای این استان با عنوان ناحیه کوهستانی کردستان مرکزی شامل دو بخش غربی و شرقی می‌شود و شکل پستی، بلندی و جنس زمین در این دو بخش با یکدیگر متفاوت است. بخش کوهستانی غربی از لحاظ یکنواختی و سستی جنس زمین دارای اشکال مشابه با ویژگی کوه‌های گنبدی شکل، شیب یکنواخت و ملایم همراه با دره‌های باز است. قسمت وسیعی از سنندج، مریوان، سرزمینهای اطراف آن‌ها تا جنوب کردستان و ناحیه کوهستانی چهل چشمه در بین مریوان و سقز، جزو این بخش کوهستانی محسوب می‌شوند (استانداری کردستان، ۱۳۹۸: ر. ک [kurdestan.msy.gov.ir](http://kurdestan.msy.gov.ir)).

همچنین باید اضافه کرد که دنباله پستی و بلندی های این ناحیه از جنوب و شرق شروع شده و تا دامنه غربی در داخل کشور عراق ادامه دارد. بخش کوهستانی شرقی که با بخش کوهستانی غربی متفاوت است، از یک حصار کوهستانی سنگ‌های دگرگونی و رسوبی تشکیل شده است. این بخش از منطقه بیشتر به وسیله دشت‌های مرتفع هموار و تپه‌های ماهوری احاطه شده که از مهم ترین این دشت‌های حاصلخیز می‌توان از: مریوان، اوباتو، ثیلاق یا دهگلان، قروه و دشت کامیاران نام برد. بخش شرقی که قسمت‌های شرقی سنندج را دربرمیگیرد، درحد فاصل ناحیه غربی و شرقی، یک رشته از ارتفاعات آتشفشانی شمالی- جنوبی را به وجود می‌آورد. در این ناحیه به استثنای کوه‌های بیجار، دشت‌های وسیعی وجود دارد که مرتفع ترین دشت این ناحیه «هوهتو» خوانده می‌شود. بلندترین کوه‌های بخش کوهستانی شرقی، شاه نشین در شمال بیجار، شیدا در مرکز و پنجه علی بین قروه و سقز است. از

دیگر کوه‌های مهم استان می‌توان به کوچسار، شیخ معروف، کانی چرمه، حلقه مسیر، سنا سره، میانه، مسجد میرزا، ملا کاوو، حسین بک، پیازه، تخت، هو عالی داغ، چهل چشمه، هوار برزه، چرخ لان و کوه سراج الدین اشاره کرد.



نقشه شماره ۲- استان کردستان

منبع: (kurdestan.msy.gov.ir)

در کل؛ مرتفع‌ترین قسمت استان، کوه شاهو با ارتفاع ۳۰۰۳ متر و کم‌ارتفاع‌ترین منطقه، منطقه آلت در بانه با ارتفاع ۹۰۰ متر است. آب و هوای استان کردستان تحت تاثیر توده‌های هوای گرم و مرطوب مدیترانه‌ای قرار دارد که این توده هوایی باعث بارندگی‌ها در بهار و ریزش برف در زمستان می‌شود. این توده هوا از اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه با برخورد به ارتفاعات زاگرس بخش قابل توجهی از رطوبت را به صورت بارش‌های پراکنده برف و باران در این منطقه نشان می‌دهند. نفوذ توده‌های مرطوب زمستانی و بهاری در مریوان و دریاچه زریوار تاثیر فراوانی در اعتدال و مرطوب شدن هوای این ناحیه دارد. این استان به طور کلی تحت تاثیر دو جریان آب و هوایی گرم و سرد قرار دارد. در منطقه استان کردستان اقلیم‌های گوناگونی وجود دارد که انواع آن در نواحی مختلف به این صورت است: زمستان سرد و تابستان معتدل در دره میرآوا یا امیرآباد، زمستان معتدل در دشت اوباتو مسیر سنندج-سقز، زمستان سرد با یخبندان‌های طولانی و تابستان گرم در طی روز و شب‌های خنک در مسیر مریوان-دربند دزلی، آب و هوای مرطوب و معتدل در ناحیه اورامانات و در آخر اقلیمی نیمه خشک و نیمه مرطوب در مسیر سنندج-مریوان. در استان کردستان به علت وجود کوه‌های متعدد و بارندگی‌های زیاد رودهای پرآبی جریان دارند که اراضی وسیعی از این منطقه را در بر می‌گیرند و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: قشلاق، گاو رود، گزان در سنندج، قم چقا، قزل اوزن، کوه زن، اوزن دره، چم، تلوار، شور، طهماسبی، رود سقز، آیان و سنه در سقز، رنجلان، گاران، نگل، کلاترزان، چاولکان، کوماسی سیروان؛ که از میان این رودخانه‌ها شعبه‌های رود قزل اوزن در نواحی کوهستانی غربی و رود سیروان در شرق و شمال شرقی، از مهم‌ترین رودهای جاری استان به شمار می‌آیند (استانداری کردستان، ۱۳۹۸: ر. ک (kurdestan.msy.gov.ir)).

استان کردستان بخشی از سرزمینی است که تحت حاکمیت مادها قرار داشت. مرز تاریخی سرزمین‌هایی که بوسیله مادها اداره می‌شده، در شمال به «اوراتو»، در غرب به «آشور» و در جنوب و جنوب غربی به ایلام و سومر منتهی می‌شد. قبل از تشکیل دولت مادها در ایران چهار طایفه به نام‌های «هوریان»، «لولوبیان» اجداد طوایف لرها، «کامیاران» اجداد مادها و گوتیان زندگی می‌کردند. تاریخ اقوام کرد تا قبل از اسلام چندان روشن نیست. بر اساس اسناد و مدارک به جا مانده کردها از «طایفه گوتیان» بودند که بارها مورد تاخت و تاز آشوری‌ها قرار می‌گرفتند. این قوم بعدها با دولت ماد متحد می‌شوند و آشوریان را منقرض کردند. همچنین بر اساس متن نوشته کتیبه داریوش در تخت جمشید و بیستون: دولت ماد در سال ۵۵۰ ق. م، در قلمرو دولت هخامنشیان قرار داشته است در عصر سلجوقیان و به ویژه در عهد حکومت طغرل بیگ تمامی ناحیه کوهستانی غرب ایران یعنی کردستان، به عراق عجم نام گذاری شد و در منشوری از خلیفه عباسی، در سال ۴۳۷ هـ ق، از طغرل بیگ سلجوقی به عنوان «ملوک العراقین» نام برده شده است. به نظر می‌رسد که در دوره ایلخانان مغول، کردستان جزو عراق عجم محسوب می‌شد. در کتاب «سفر جنگی گزنفون» به نام «کردوخوی» برای اقوام کرد اشاره شده است. این قوم در کوه‌ها و دره‌های میان عراق و ارمنستان و به خصوص در محلی که امروزه «زخو» نامیده می‌شود قرار دارد، ساکن بودند. هرچند تاریخ اقوام کرد در پیش از اسلام تاریک و مبهم است ولی در دوره پس از اسلام پیشینه‌ای روشن تر دارد. در اوایل قرن هفتم هجری، سلیمان شاه از ترکمانان ایوه بر آن حکومت کرده است. شرف الدین بدلیسی حدود کردستان را در روزگار صفوی و در کتاب «شرف نامه» خود با افزودن ولایت لرستان یک جا ذکر می‌کند و در شرف نامه سرزمین لرستان و قوم لر را با کردها یکی می‌شمارد. اعراب در تاریخ ۱۶ یا ۲۰ هـ ق، قلعه‌ها و استحکامات کردها را تصرف کردند. در ۲۳ هـ ق، که سپاه عرب در ایالت فارس مشغول فتوحات بود، کردهای فارس در دفاع از فسا و دارابجرد شرکت داشتند. فتح شهر زور و داراباذ که از شهرهای کردنشین بودند، در سال ۲۲ هـ ق، صورت گرفت. ابوموسی اشعری در سال ۲۵ هـ ق، کردها را سرکوب کرد. در سال ۳۸ هـ ق، کردهای ناحیه اهواز، در قیام خریت ابن راشد برضد «امیر المؤمنین علی (ع)» جانب خریت را گرفتند، اما پس از قتل «خریت» این قیام سرکوب و عده زیادی از آنان کشته شدند. در سال ۹۰ هـ ق، کردهای منطقه فارس سر به شورش برداشتند و این شورش به وسیله حجاج ابن یوسف ثقفی سرکوب شد. در سال ۱۴۸ هـ ق، کردهای موصل قیام کردند و منصور خلیفه عباسی، خالد برمکی را برای سرکوبی آنان به آنجا فرستاد و وی نیز شورش کردها را سرکوب کرد. در سال ۲۲۴ هـ ق. یکی از پیشوایان کردهای اطراف موصل به نام جعفر ابن فهرجیس برضد خلیفه معتصم سر به شورش گذاشت خلیفه سردار معروف خود «آیتاخ» را به جنگ او فرستاد. در دوره حکومت صفویه قسمت وسیعی از کردستان آن روز تحت تسلط دولت ایران قرار داشت که شامل دامنه‌های شرقی کوه‌های زاگرس بود. با تشکیل سلسله زندیه، برای نخستین بار در تاریخ ایران سلسله‌ای کرد نژاد به سلطنت رسید به طوری که در اواخر حکومت زندیه، قسمتی از آذربایجان غربی به تصرف طایفه دنبلی که یکی از طوایف بزرگ کرد بودند، درآمد و شهر خوی را به عنوان مرکز حکومت و قدرت خود انتخاب کردند. در قرن نوزدهم میلادی بارها کردها در خاک عثمانی میل باطنی خود را برای رسیدن به استقلال و تشکیل دولتی کرد زبان ظاهر کردند. در سال ۱۸۷۸ میلادی، شیخ عبیدالله نقشبندی به فکر تاسیس کردستان مستقل تحت حمایت دولت عثمانی افتاد در پی این تصمیم، طرفداران وی در سال ۱۸۸۰ میلادی، اطراف ارومیه،

ساوجبلاغ، مراغه و میاندوآب را به تصرف خود درآوردند که این خود باعث متحمل زحمات زیاد سپاهیان ایران برای به دست آوردن این منطقه شد. قاضی محمد همزمان با حضور قوای متفقین در سال ۱۹۴۶ میلادی در ایران و با حمایت دولت روسیه شوروی، جمهوری خلق کردستان را که مرکز آن مهاباد بود، تشکیل داد. پس از تخلیه کامل ایران از قوای متفقین و اعزام ارتش دولت مرکزی به نواحی آذربایجان و کردستان، این شورش و جمهوری ناشی از آن نیز از هم متلاشی گردید. بنا به پیش نویس شماره ۱۲۷۵ در سال ۹/۹/۱۳۱۶، ایران به شش بخش تقسیم شده بود. استان ها غربی شامل شهرهای کردستان، کرمانشاه، لرستان، همدان، خوزستان و کهگیلویه بود. بالاخره در سال ۱۳۳۷ هـ. ش، با توجه به فرمان شورای وزرا، کردستان از پنجمین استان جدا شد و استان کردستان را تشکیل داد (وزارت کشور، ۱۳۹۸).

به استناد شواهد و مدارک مستند تاریخی، قوم کرد یکی از نژادهای آریایی هستند که در هزاره دوم قبل از میلاد از کناره‌های دریای خزر به سلسله کوه‌های زاگرس آمده و با غلبه بر قدرت آشوریان در نینوا، امپراطوری مادها را در قرن هفتم قبل از میلاد در ایران پایه گذاری کردند. این استان یکی از استان های کردنشین در غرب ایران است. اکثر ساکنان این استان، کرد زبان هستند که به لهجه‌های مختلف صحبت می‌کنند. گروهی از مردم شناسان بر این باورند که زبان کردی یکی از زبان های گروه هند و اروپایی و ایرانی است. زبان کردی در استان کردستان و همچنین در استان های ایلام، کرمانشاه، همدان، آذربایجان غربی و شمال خراسان و دیگر کشورها، لهجه‌های گوناگونی دارد اما مهم ترین و پر تکلم ترین این لهجه‌های کردی شامل دو شاخه «کرمانجی» و «سورانی» است، شاخه سورانی در استان کردستان لهجه رایج در ادبیات مکتوب است. به غیر از زبان کردی مردم برخی از بخش های کرانی شهرستان بیجار و بخش مرکزی شهرستان قروه به زبان ترکی آذربایجانی صحبت می‌کنند. همچنین تکلم زبان لکی در بخش چهار دولی در شهرستان قروه نیز رواج دارد.

جامعه عشایری در ترکیب اجتماعی استان کردستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عشایر این استان از طوایق قدیمی کرد ایران هستند که بیشتر آنان در مناطق بانه سقز، مریوان، دیواندره، سنندج و اورامانات اسکان یافته و یا به صورت محدود و کوتاه کوچ می‌کنند و در اغلب مواقع به دامپروری می‌پردازند. استان کردستان از نظر کشاورزی در سطح کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. وجود منابع آبی کافی، وجود منابع خاک کافی، بارندگی مناسب، وجود مراتع غنی و زیاد و وجود دشت‌های حاصلخیز چون دشت مریوان و قروه باعث توسعه و افزایش توان بخش کشاورزی استان شده‌اند. تولیدات کشاورزی این استان به ترتیب اهمیت، گندم، جو و حبوبات تشکیل می‌دهد که دو به دو صورت دیمی و آبی صورت می‌پذیرد. در بخش دامپروری، یکی از قطب‌های اصلی دامداری کشور به حساب می‌آید و از میان دام‌ها، گوسفند و بره بیش‌ترین اهمیت و تعداد را دارد. از دیگر فعالیت‌هایی که در این استان انجام می‌گیرد، پرورش زنبور عسل است که در کردستان از رونق بسزایی برخوردار است. فعالیت‌های صنعتی استان کردستان نسبت به سایر استان‌های کشور بسیار محدود است و از مناطق توسعه نیافته صنعتی کشور به شمار می‌رود. صنایع این استان به طور کلی، به دو گروه ماشینی و دستی تقسیم می‌شوند: صنایع ماشینی استان مشتمل بر گروه‌های صنایع کانی غیرفلزی، شیمیایی، سلولزی، نساجی و چرم، غذایی، برق و الکترونیک هستند. در بخش صنایع دستی نیز در حال حاضر در نقاط شهری و روستایی کردستان عده زیادی به تولید محصول های گوناگون دستی که هم

مصرف خانگی و هم ارزش تجاری دارند مشغول هستند. اهم این صنایع دستی عبارت‌اند از: فرش بافی، گلیم‌بافی، نساجی، نازک‌کاری چوب، گیوه‌دوزی، خراطی، سوزن‌دوزی، قلاب‌دوزی، پولک‌دوزی، منجوق‌دوزی و ساخت زینت‌آلات محلی (سازمان گردشگری و میراث فرهنگی کشور، ۱۳۹۸).

### یافته‌های پژوهش

به طور کلی عوامل زیر بر امنیت مرزها تاثیر دارند؛

### تاثیر توسعه بر امنیت مناطق مرزی

#### تاثیر بخش کشاورزی بر توسعه و امنیت مناطق مرزی

کشاورزی یک نیاز اساسی و در نتیجه فعالیت پایه‌ای برای بشر بوده و در این ارتباط، ارزیابی تاثیرات تغییر اقلیم بر کشاورزی یک نیاز ضروری است. یکی از منابع کسب درآمد و تامین هزینه‌های زندگی، فعالیت در بخش کشاورزی است. این فعالیت برای افراد ساکن در نواحی مرزی هر کشور از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد؛ زیرا با وجود شرایط مناسب طبیعی که از جمله مهم ترین آنها آب و هوای مناسب است، افراد بیشتری در این حوزه مشغول به فعالیت شده و از روی آوردن به شغل های کاذب و تنش زا اجتناب می‌کنند. مشخص کردن نیاز آبی در بخش کشاورزی بالاخص در نواحی مرزی، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است تا بتوان با شناخت صحیح، مدیریت ریسک را جایگزین مدیریت بحران کرده و با برنامه ریزی و مدیریت صحیح، از به وجود آمدن کانون های تنش زا در حوزه مهاجرت، قاچاق کالا، بیکاری و... تا حد امکان جلوگیری کرد. افزایش نیاز آبی می‌تواند رکود در فعالیت‌های کشاورزی را تشدید کند؛ در صورت عدم برنامه ریزی و سرمایه گذاری مناسب در بخش اشتغالزایی، صنعت و اقتصاد در نواحی مرزی، بستری برای فعالیت‌های غیرقانونی نظیر قاچاق کالا، افزایش واردات مواد مخدر فراهم شده و کانون های تنش زا برای دولت مرکزی را افزایش داده و درصد نا امنی اجتماعی را بالا می‌برد.

#### نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه و امنیت مناطق مرزی

امروزه تجارت به عنوان موتور رشد و توسعه معرفی شده و کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به توسعه به آن نیاز دارند؛ از جمله مهمترین کاربردهای تجارت می‌توان به ایجاد اعتماد و کاهش تنش های مرزی کشورهای همسایه اشاره کرد. مشکلی که در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته وجود دارد و همواره بخش قابل توجهی از درآمدهای محدود این کشورها، صرف تهیه تسلیحات نظامی برای برخوردهای احتمالی با همسایگان می‌شود. براساس برخی یافته‌های تجربی، رابطه‌ای مستقیم میان گسترش مبادلات تجاری بین ۲ کشور همسایه و کاهش تشنج سیاسی و نظامی بین آن دو وجود دارد. اثر دیگر مبادلات منطقه‌ای، کمک این کشورها به یکدیگر برای ارتقاء و خلق مزیت نسبی است. باتوجه به اینکه کشورهای همسایه برای صدور کالا به یکدیگر هزینه حمل پایین تر را نسبت به سایر کشورها دارند؛ لذا در صورت یکسان فرض کردن سایر شرایط تولید کالا، امکان صدور کالا با قیمت‌های پایین تر را به دست آورده و از مزیت نسبی و رقابتی بالاتری نسبت به سایر کشورها برخوردار خواهند بود.

ایجاد بازارچه‌های مرزی را نیز می‌توان در راستای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای تلقی کرده و به عنوان بخشی از یک راه حل اقتصادی برای کاهش بحران‌های منطقه‌ای، ایجادکننده ثبات در مناطق مرزی و گسترش فعالیت‌های تولیدی و تجارت به آن نگریم. به این طریق می‌توان رفاه حاصل از تجارت را در این نواحی که از محرومیتی مضاعف نسبت به سایر نقاط کشور هستند، فراهم کرد. این امر در صورتی تحقق می‌یابد که عملکرد بازارچه‌ها هدفمند بوده و در نهایت منتهی به گسترش تولید، اشتغال و صادرات شود؛ در غیر این صورت می‌تواند آثار زیانباری برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد.

درواقع رونق تجاری در مناطق مرزی با رویکرد محرومیت زدایی مرزنیسان، یکی از اصلی‌ترین پارامترهای معادله برقراری نظم در این مناطق بوده که نتیجه آن، رسیدن به امنیت پایدار خواهد بود. بازارچه‌های مرزی به عنوان بخشی کوچک، اما مهم در بازرگانی خارجی در نظر گرفته می‌شوند. فعالیت این بازارچه‌ها از جنبه‌های مختلف، از جمله رشد و توسعه منطقه می‌تواند نقش موثری را ایفا کند. اهمیت بازارچه‌های مرزی بیشتر از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، اشتغال و توسعه و رونق اقتصادی منطقه است. بازارچه‌های مرزی در ایران آن طور که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته‌اند و در اکثر موارد خیلی ضعیف عمل شده و به جای اینکه با دیدگاه‌های اقتصادی-اجتماعی ایجاد، گسترش و حمایت شوند، بیشتر از دیدگاه سیاسی و امنیتی مورد توجه بوده‌اند.

#### نقش قومیت‌ها بر امنیت مناطق مرزی

امنیت موضوعی استنباطی است که مفهوم آن ثابت، اما محتوای جغرافیایی-سیاسی آن به تبع شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند. در گذشته امنیت ملی عمدتاً از نظر تهدید نظامی خارج از مرزها مورد توجه قرار می‌گرفت که مقابله با آن نیز ساز و کار نظامی داشت؛ اما امروزه این مفهوم از حوزه تعاریف کلاسیک خود خارج شده و رابطه تنگاتنگی با توسعه پایدار یافته است.

در گذشته پیشرفت و اعتلای واحدهای سیاسی با حاکمیت عقلانیت، ابزاری با نگرشی محدود و تک سویه مترادف ایجاد و تداوم رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد؛ اما توسعه پایدار مفهومی فراتر از رشد اقتصادی و به بیان دیگر محیط بر رشد دارد.

این نگرش از اواخر دهه ۱۹۶۰ دچار تغییر و تحولات اساسی در مفهوم خود شد؛ به طوری که پس از کنفرانس جهانی استکهلم، گزارش براتلند و همچنین گزارش ریودوژانیرو در پارادایم جدید خود با عنوان توسعه پایدار، تمامی زوایای زندگی انسان را با تاکید بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع مورد توجه قرار می‌دهد؛ بنابراین توسعه نابرابر در فضاها سیاسی یک سرزمین، می‌تواند بستر مناسبی را برای ایجاد متغیرهای اثرگذار بر مؤلفه‌های امنیت ملی و بحث قومیت‌ها فراهم کند.

امروزه این تهدید بیشتر متوجه نظام‌های سیاسی متمرکز است که ساختار مرکز - پیرامون را شکل می‌دهند؛ این ساختارها عمدتاً شامل حاشیه کمتر توسعه‌یافته نسبت به مرکز هستند و در ایران نیز چنین ساختاری منجر به برهم خوردن تعادل و توازن منطقه‌ای بین مرکز و پیرامون شده است و مهمتر آنکه نواحی پیرامونی، اکثراً منطبق بر نواحی قومی هستند؛ در چنین شرایطی، تمایزات افزایش می‌یابد و عمل واگرایی تقویت می‌شود.

میان امنیت پایدار مرزها و توسعه این نواحی، رابطه مستقیم وجود دارد. ایران جزء کشورهای است که از اقوام گوناگون در ترکیب جمعیتی خود برخوردار است؛ چگونگی هویت ملی، وحدت ملی، همگرایی و واگرایی بین اقوام، از موضوعات مهمی هستند که حکومت‌ها در کشورهای کثیرالاقوام با آن مواجه هستند.

تعدد و تنوع قومی چالش‌هایی را در قالب تهدید یا فرصت برای حکومت مرکزی به ارمغان می‌آورد که متناسب با مبانی تئوریک و نظری حکومت یا ایدئولوژی غالب با آن مواجه می‌شود؛ اگر تنوع قومی تهدیداتی همچون واگرایی تجزیه طلبی یا خودمختاری خواهی را می‌تواند به همراه داشته باشند، فرصت‌های جدیدی را نیز ایجاد می‌کنند که با شناخت و مدیریت آنها، می‌توان تهدیدات را به فرصت تبدیل کرد.

### معضل بیکاری و اثرات آن در جامعه (مخصوصاً مناطق مرزی)

امروزه پیدایش و گسترش سریع شهرها و فزونی جمعیت آن، همراه با مسائل و مشکلات خاصی است که در طول تاریخ سابقه نداشته. مسئله بیکاری و اشتغال، به عنوان یکی از عمده ترین مسائل اجتماعی اقتصادی، گریبانگیر کشورهای در حال توسعه است.

بیکاری منشأ بسیاری از پیامدهای ناگوار اجتماعی و مسبب اصلی از هم گسیختگی های تعامل های مورد لزوم جامعه است. بیکاری از عمده ترین عوامل فساد شناخته می‌شود و ریشه‌ها و عوامل نابهنجاری های اجتماعی بسیاری از جمله سرقت، قاچاق، اعتیاد، ضرب و جرح و... است که باید مورد مطالعه کارشناسی قرار بگیرد. بیکاری در مناطق مرزی، یکی از مهمترین عوامل گرایش مرزنشینان به قاچاق است که امنیت مرزها را تهدید می‌کند.

### جایگاه آمایش و توسعه متوازن بر توسعه مناطق مرزی

آمایش سرزمین، نوعی برنامه ریزی است که به سرزمین به عنوان رکن اصلی و تعیین کننده اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، توجه می‌کند. بررسی مناطق مرزی و میزان اهمیت آن در چارچوب مطالعات امنیتی مناطق مرزی با اتکاء بر منطق مطالعاتی حوزه آمایش، می‌تواند مورد توجه واقع شود؛ لذا جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور، امر مهمی به شمار می‌آید و تابع عواملی مانند میزان و نوع تاثیرگذاری و نیز عمق و ابعاد این تاثیرگذاری ها است.

در این راستا، توجه به توسعه متوازن که هدف آن توسعه هماهنگ و یکپارچه بین تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه بوده و اهمیت زیادی برای بخش های جامعه دارد، مهم است؛ زیرا در این نوع از توسعه، تفاوتی میان بخش های مختلف جامعه یا به عبارتی تفاوتی میان شهر و روستا دیده نمی‌شود. پس می‌توان گفت که در توسعه پایدار، توجه به آمایش مناطق مرزی به عنوان یک ضرورت اساسی تلقی می‌شود؛ زیرا بدون توجه به این مؤلفه، توسعه پایدار نخواهد بود و تاکید بر برنامه ریزی بخشی و عدم توجه به اجرای برنامه ریزی کلان و فضایی، موجب تنگناها و مشکلاتی می‌شود.

همچنان که نتایج نشان می‌دهد، باید موانع منفی موجود بر سر راه آمایش مناطق مرزی را برداشت؛ چراکه نبود امنیت بر توسعه در این مناطق تاثیر می‌گذارد و این ناامنی باعث عدم تعادل بین مناطق مرزی و داخلی می‌شود؛ زیرا توسعه و امنیت در مناطق مرزی، لازم و ملزوم همدیگر هستند و توسعه موزون و پایدار در این مناطق، امر مهمی به شمار



می‌آید؛ بنابراین می‌توان با توجه به تقویت مشارکت و تعلق خاطر مردم و مدیران در روند توسعه مناطق مرزی و تکیه بیشتر بر منابع توسعه در مناطق مرزی و ایجاد مشاغل در این مناطق، به این مهم دست یافت.

نقش مرزها و مرزنشینان در امنیت پایدار تولیدات گیاهی

مرزها، مرزبان و ساکنان همجوار آنها نقش انکارناپذیری در کنترل ورود آفت و بیماری های گیاهی که نابودکننده تولیدات گیاهی هستند، دارند؛ لذا پرداختن به مرزها و قوانین ورود و خروج از آن، بسیار مهم است.

به مجموعه این عوامل، قوانین قرنطینه‌ای گفته می‌شود. قرنطینه به محلی اطلاق می‌شود که مجموعه‌ای از مقررات و ضوابط و دستورالعمل های فنی بهداشتی در یک دوره زمانی خاص روی موجودات حساس یا فرآورده‌های آنها و سایر عوامل خطر به منظور جلوگیری از ورود یا اشاعه آفت و بیماری اعمال می‌شود؛ به طوری که به عنوان اولین خاکریز و سد دفاعی در برابر هجوم عوامل آفت و بیماری زا تلقی و شامل اعمالی می‌شود که باید رعایت شود تا از ورود عوامل بیماری زا به منطقه جلوگیری کند.

تجارت میوه‌های تازه، سبزیجات و همچنین سایر محصولات کشاورزی و سرعت روزافزون حجم تبادلات محصولات کشاورزی بین کشورها، شرایطی را فراهم کرده است که آفات و بیماری های گیاهی قرنطینه‌ای، به راحتی از منطقه‌ای به منطقه دیگر به طور غیرعمد منتقل شوند.

در صورت عدم رعایت موازین بهداشت گیاهی برای جلوگیری از ورود محموله‌های آلوده، خطرات جدی، کشاورزی و اقتصادی کشورها را تهدید می‌کند. اگر این قوانین توسط مرزبانان و مرزنشینان به خوبی اجرا شود، جلوی ورود عوامل مخرب گرفته شده و کشور متحمل هزینه‌های ناشی از خسارات عدم کنترل آفات و بیماری های طغیان گر نخواهد شد.

در نهایت می‌توان گفت که مرزبانان و مرزنشینان، می‌توانند با رعایت قوانین قرنطینه‌ای، جلوی آفت و بیماری را بگیرند و از این طریق نیز تمامیت ارضی کشور خود را حفظ و حراست کنند و مدافعان اصلی و دائمی کشور خود باشند.

در این مقوله باید گفت که مرزبانان و مرزنشینان با ایفای نقش اساسی خود باعث برقراری امنیت در کشور خود خواهند شد؛ چراکه ورود آفت‌ها و بیماری های گیاهی، باعث از بین رفتن تولیدات کشاورزی شده و قشر کثیری از جامعه را بیکار خواهد کرد و با ظهور بیکاری در جوامع مرزنشین، خطر روی آوردن مرزنشینان به قاچاق کالا اعم از کالاهای ممنوعه و غیرممنوعه احساس شده و بروز پدیده شوم قاچاق در بین مرزنشینان، باعث و بانی ایجاد نا امنی در منطقه و کل کشور خواهد شد.

### تاثیر امنیت بر توسعه مناطق مرزی

#### امنیت و تاثیر آن بر روند رشد اقتصاد گردشگری در نواحی مرزی ایران

صنعت گردشگری و جهانگردی به عنوان بزرگترین و متنوع ترین صنعت در دنیا به حساب می‌آید. بسیاری از کشورها این صنعت پویا را به عنوان منبع اصلی درآمد، اشتغال، رشد بخش خصوصی و توسعه ساختار زیربنایی می‌دانند؛ به ویژه در کشورهای در حال توسعه، یعنی در آنجا که شکل های دیگر اقتصادی مثل تولید یا استخراج از

نظر اقتصادی به صرفه نیست یا نقش چندان مهمی در صحنه تجارت و بازرگانی ندارند، به توسعه صنعت گردشگری توجه زیادی می‌شود.

اگر بخواهیم صنعت توریسم برای منطقه منبع درآمد خوبی باشد، باید ارگان‌های مختلف، حمایت لازم را برای توسعه صنعت توریسم انجام دهند. صنعت گردشگری و مقوله امنیت، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند؛ در این مورد هم باید دانست و اعتقاد داشت که ملاک امنیت در گردشگری، احساس امنیت توسط گردشگران است. کشور ایران دارای امتیازات فراوانی در عرصه جهانگردی به خصوص در نواحی مرزی است، اما با وجود جاذبه‌های طبیعی و گردشگری موجود، جایگاه اقتصادی گردشگری ایران در مقایسه با بسیاری از کشورها از جمله کشور ترکیه، بسیار ضعیف است.

تعریف‌های گوناگونی از امنیت ملی از سوی اندیشمندان علم سیاست ارائه شده است. روش‌سندل، امنیت ملی را عبارت از توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود میداند (روش‌سندل، ۱۳۷۴: ۱۱). همچنین آقای رستمی عنوان میدارد که امنیت ملی عبارت است از حفظ قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه، حفظ حکومت و اعمال حاکمیت در امور داخلی و خارجی علیه نفوذ بیگانگان و جلوگیری از هرگونه عملیات غیرقانونی است که منظور آن، تضعیف و یا انهدام حکومت و ملت باشد (رستمی، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

مرز، محدوده مشخصی است که جداکننده دو واحد سیاسی از یکدیگر است و این خط به عنوان یک مانع عمل کرده و به صورت یک سطح در فضا و زیرزمین نیز کشیده میشود. از مرز تعریف‌های زیادی انجام شده است. به نظر دکتر حافظ نیا، مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملت پایه را مشخص می‌کنند. مرز، عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است. در این تعریف، مرز به عنوان خطی در نظر گرفته شده است که دو کشور را از یکدیگر جدا می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۳۷).

پایدارترین عنصر در امنیت ملی ایران در قرون و اعصار گذشته، جغرافیای خاص این مرز و بوم بوده است که از یک سو ایران را مرکز توجه پیرامونی خود قرار داده و از سوی دیگر عملاً از نظر جغرافیایی به هیچ یک از محیط‌های پیرامونی خود تعلق ندارد (مقدم و قشلاقی، ۱۳۹۱: ۱۸۹؛ عزتی و کاویانی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). آگاهی از جغرافیای نظامی و سیاسی از مرزهای یک کشور در مقاطع مختلف می‌تواند به نوعی راه‌گشا و راهنمای تصمیم‌گیرندگان کشور در توجه به مناطق مرزی و در نظر گرفتن توانمندی‌ها، فرصت‌ها و آسیب‌های پیش رو باشد. از آنجا که موضوع حساسیت امنیت مناطق مرزی به عنوان پیش‌زمینه امنیت ملی تلقی می‌شود، در این تحقیق تأثیر شاخص‌هایی مانند جغرافیای نظامی، طبیعی و انسانی مرزهای شمال غرب و غرب کشور و تحولات مناطق پیرامونی و فرامرزی در ایجاد تنش و نا آرامی‌های مرزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

به طور کلی مهم‌ترین دلایل اهمیت مرزهای ایران در کرمانشاه و کردستان عبارت‌اند از؛

۱- اهمیت سیاسی و امنیتی

مرزهای هر کشور خصوصاً آن دسته از کشورها که سابقه تنش و مشاجرات مرزی را در کارنامه خود دارند و کشور همسایه و همجوار را منبع تهدید و دشمنی تلقی می نمایند؛ قلمروهای مرزی میان خود و دیگران را از کانون های جدی مناقشه تلقی نموده و هرگونه تحرکی در محدوده های مرزی، با نگاه امنیتی و سخت افزاری رو به رو می شود. در کشورهای با ترکیب ناهمگون، همواره مرزها از اهمیت سیاسی و امنیتی برخوردار می گردند و اگر مرزها محل پراکنش قومی خاص باشند و منطقه دارای اقلیت اکولوژیک باشد و زبانه های قومی در کشورهای دیگر کشیده شده باشد؛ وضعیت امنیتی مرزها دو چندان می گردد. نمونه مشخص این مسئله، کردستان ایران می باشد. این منطقه که در چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام گسترده می باشد؛ منتهی الیه قلمرو سیاسی و حکومتی ایران محسوب می گردد. این منطقه که از وضعیت اکولوژیکی و پیوندهای تاریخی ملموسی برخوردار می باشد؛ «کردستان ایران» نامیده می شود. این جای نام از زمان سلطان سنجر سلجوقی در قرن ۱۳ میلادی، بر این پهنه ی جغرافیایی اطلاق گردیده است. اولین مرحله تقسیم خاک کردستان به دنبال همآوردی های میان صفوی و عثمانی در سال ۱۵۱۴ و بعد از شکست سپاه ایران در منطقه چالدران صورت پذیرفت که به دنبال آن بخش اعظم کردستان، در محدوده ی قلمرو سرزمینی عثمانی واقع شد. این مرحله از تقسیم، در زمان حکومت های از نوع تریتوریالی و یا سرزمینی به وقوع پیوست. مرحله بعدی تقسیم، بعد از شکست عثمانی در جنگ جهانی اول و برپایه مفاد قرارداد سایکس-پیکو، کردستان عثمانی در میان کشورهای ترکیه، عراق و سوریه تقسیم گردید و هرکدام از بخش های کردستان در محدوده ی قلمرو دولت های جدید و با الگوی معیوب ملت دولت مدنظر قدرت های فاتح جنگ و دولت های دست نشانده ی کشورهای تازه تاسیس واقع شدند.

همپوشانی اکولوژیک کردستان در تمامی بخش های آن، حساسیت های سیاسی و امنیتی خاک کردستان را در کشورهای چهارگانه به دنبال داشته است. در این میان مرزهای همجوار که با محدوده ی نشیمنگاهی کردها مطابقت می نماید، بعنوان محدوده های خاص و با ضریب سیاسی و امنیتی بالا، طبقه بندی می شوند. کارگزاران سیاسی و امنیتی که با خوانشی صدرصد تمرکز گرایانه به مقوله مرز می نگرند؛ به تصور بالا بردن ضریب امنیتی، نگاه انقباضی در برخورد با پدیده های انسانی در جوامع مرزی را سرلوحه کار خود قرار می دهند. انقباض مرزها در ادوار مختلف و به بهانه های گوناگون، از این زاویه قابل تحلیل و بررسی است. مسئله کردستان و مرز در کشورهای چهارگانه باید به عنوان واقعیتی منحصر به فرد قلمداد گردد و با اتخاذ سیاست های انبساطی و واقع گرایانه، مفهوم امنیت و سیاست در برخورد با این قلمرو، با نگاهی چند بعدی مورد بازنگری جدی واقع شود. الگو برداری امنیتی از هم دیگر در مواجهه با مسئله مرز و کردستان در کشورهای چهارگانه، نه تنها به فروکش کردن خوانش های هویتی و قلمروی در این منطقه کمک نموده است بلکه موجب شکل گیری بلوک بندی های منطقه ای و فرامنطقه ای گردیده و زمینه دخالت را فراهم نموده و به بغرنج شدن مسئله ای انسانی در منطقه دامن زده است. این کشورها به جای الگو برداری حذفی در مواجهه با مسئله ای مطالبه ای و انسانی، می بایستی الگوی دولت خوب<sup>۱</sup> را از کشورهای با چنین مسائلی اتخاذ می نمودند. عملیاتی نمودن الگوی تفویضی در حوزه ی ساختار سیاسی فضا، که نمونه ی آزمون شده آن در

<sup>۱</sup>. Good Government

الگوی ساتراپ نشینی هخامنشی، به خوبی جوابگو بوده است؛ می‌تواند برای امروز ایران بسیار کارآمد و موجب همگرایی و انبساط خاطر برای تمامی باشندگان سرزمین مشاع قلمداد گردد. واگذاری قلمرو به باشندگان هر منطقه، توهم امنیت مرزها را برخواهد چید و مفهوم ذهنی و پرطمطراق «مرزداران غیور» را در فضای واقعی و ملموس عینیت می‌بخشد. بهتر است حکومتگران در ایران به فلسفه تشکیل حکومت-کشور در این پهنه‌ی سرزمینی برگردند.

## ۲- اهمیت اقتصادی

از لحاظ اقتصادی نواحی مرزی، از زمان شکل‌گیری دولت‌های جدید در منطقه و خصوصاً ایران، به دلیل خوانش تمرکز گرایانه سیاسی و امنیتی، از جمله عقب‌مانده‌ترین مناطق در کشور محسوب می‌شوند. بنیان توسعه اقتصادی در یک منطقه، بر پایه بستر امنیتی و روانی برپا خواهد شد که متأسفانه به دلیل نگاه تک‌بعدی درحوزه سیاست و امنیت، کردستان و دیگر مناطق حاشیه‌ای که تفاوت‌های فرهنگی با مرکز را به‌یدک می‌کشند، دچار آسیب‌پذیری جدی گردیده‌اند. کردستان ایران از زمان شکل‌گیری دولت شبه‌مدرن، چه در دوران حکومت پهلوی و چه در حکومت چهل‌ساله جمهوری اسلامی، از جمله مناطق عقب‌نگه‌داشته شده در پهنه‌ی سرزمینی ایران به‌شمار می‌رود. این منطقه‌ی جغرافیایی که همپوشانی اکولوژیک با دیگر بخشهای کردستان را داراست در مقایسه با دیگر مناطق ایران از کمترین توسعه اقتصادی برخوردار بوده و با توجه به توانمندی‌های سرزمینی می‌بایستی از مناطق ثروتمند و برخوردار کشور به حساب می‌آمد.

توسعه یافتگی کشورها بدون توجه به ساختار فضایی و پراکنش انسانی از لحاظ انگاره‌های فرهنگی بسیار مشکل می‌نماید. شناخت کشور از لحاظ بنیان‌های طبیعی و انسانی و دادن فرصت عرض‌اندام به تمامی بخش‌های یک کشور در بازانکشاف توانایی‌ها و پتانسیل‌های خدادادی، مستلزم اراده‌ی معطوف به عمل و باور عمیق به مقوله‌ی عدالت جغرافیایی است. کردستان ایران به دلیل موقعیت مناسب جغرافیایی، شرایط مساعد آب و هوایی، بارش فراوان، غنی بودن بنیان‌های زیستی (آب و خاک)، منابع غنی زیرزمینی، مراودات تجاری، پتانسیل بالای توریستی و نیروی انسانی کارآمد، از جمله مناطقی محسوب می‌شود که در صورت اهتمام و توجه همه‌جانبه، از توانمندی‌های بالای توسعه یافتگی برخوردار است.

کردستان ایران خصوصاً نواحی و شهرهای مرزی این منطقه، از لحاظ انگاره‌های اقتصادی و شاخص‌های توسعه یافتگی در انتهای جدول شهرهای ایران واقع شده‌اند. مرزهای که از لحاظ بنیان‌های زیستی، معدنی و بازرگانی دارای پتانسیل بسیار قوی در راستای تغییر وضعیت معیشتی و اقتصادی ساکنان خود می‌باشد؛ قربانی موقعیت جغرافیایی شده است. توسعه اقتصادی کردستان ایران بدون توجه به مقوله‌ی سیاست و نگاه بالا دستی امکان‌پذیر نخواهد بود. تا زمانی که کردستان از زاویه تنگ تمرکز گرایانه نگریده شود و هرگونه تحرکی در راستای سرمایه‌گذاری به بهانه‌های مختلفی همچون مجاورت با مرزها، عدم امنیت، وضعیت توپوگرافیکی و نبود زیرساخت‌ها توجیه منفی شود، این مناطق همچنان از لحاظ توسعه یافتگی در انتهای جدول استانهای ایران باقی خواهند ماند. مردمان ساکن در کردستان ایران به دلیل همجواری با اقلیم کردستان و مناطق کردنشین ترکیه به خوبی و با نگاهی موشکافانه به بررسی و تطبیق توسعه یافتگی مناطق خود و همجوار می‌پردازند. یکی از مهمترین فاکتورهای اساسی

در تحرک بخشی به مقوله توسعه اقتصادی، بهبود و توسعه ی راه‌های ارتباطی استاندارد و آبرومند است. متأسفانه کردستان ایران خصوصاً شهرستان‌های مرزی فاقد هرگونه راه استاندارد و آبرومندی می‌باشند این درحالی است که بیشترین منابع ارزی استان‌های کردنشین ایران از همین شهرستانها سرچشمه می‌گیرد.

اقلیم کردستان با وجود تمامی مشکلات ساختاری، درگیری با داعش، قطع بودجه کردستان توسط دولت مرکزی عراق و بیش دو میلیون آواره از وضعیت به مراتب بهتری از لحاظ معیشت برخوردارند و اقتصاد کردستان عراق در مسیر پیشرفت و بهبود گام بر می‌دارد. برای نمونه راه‌های دسترسی به مرز بین‌المللی باشماق در دو سوی مرز بسیار تامل برانگیز است. در حالی که میزان درآمد ارزی جمهوری اسلامی از عایدات مرز باشماق میروان بسیار هنگفت و چشمگیر است؛ راه‌های منتهی به مرز باشماق از سمت کردستان ایران بسیار بد، خطرناک، دو طرفه و غیر استاندارد است و سالانه از ورودی مرز ایران تا سندج، ده‌ها نفر از هموطنان عزیزم دچار سوانح جدی جاده ای می‌گردند این در حالی است که کردستان عراق با وجود تمامی مشکلات، هم‌اکنون اتوبان سلیمانیه به مرز باشماق در مراحل اتمام و بهره برداری است. آنچه مسلم است توسعه اقتصادی یک منطقه بدون وجود انواع راه‌های ارتباطی استاندارد زمینی، ریلی و هوایی امکان پذیر نخواهد بود، لذا توجه اساسی و ساختاری به مسئله راه‌های ارتباطی کردستان، از مهمترین و اورژانسی ترین مطالبه ی اقتصادی مردمان این سرزمین است. سیمای اقتصادی مناطق کردنشین ایران به هیچ عنوان معرف توسعه اقتصادی در قرن بیست و یکم نیست. درصد بیکاری این مناطق، همواره چند برابر میانگین رسمی کشوری است و اشتغالی که در منابع رسمی از آن تحت عنوان شغل نام برده می‌شود، اشتغال از نوع فصلی و مقطعی است.

مرزها سیمای واقعی توسعه یافتگی در یک کشور است تا زمانی که مرزها بعنوان حواشی و مناطق پیرامونی در برنامه ریزی‌های توسعه‌ای قلمداد گردند، مفهوم واقعی توسعه در یک کشور، گمان آلود و ناپدیدار جلوه گر خواهد شد. همانطور که محتویات یک مغازه از لحاظ جنس و کیفیت در سیما و شمایل ویتیرین آن هویداست، میزان توسعه یافتگی و کامرانی باشندگان یک کشور و سرزمین نیز در سیما و قامت مرزهای آن جلوه گر می‌نماید.

## منابع

- نجفی، عباس و حیدر لطفی و پیروز مجتهد زاده (۱۳۹۸)، ساماندهی فضای مرزی ایران در خلیج فارس از لحاظ قاچاق کالا و گردشگری، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، دوره ۹، شماره ۳.
- مهکویی، حجت و مهدی محمودی و احمد خادم الحسینی و حمید صابری (۱۳۹۸)، راهبردهای آمایش مناطق مرزی ایران با به‌کارگیری مدل SWOT و تحلیل شبکه‌ای ANP مطالعه موردی: خراسان جنوبی، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، دوره ۹، شماره ۳
- زهدی گهر پور، محمد و یاشار ذکی و روزبه زرین کوب و بهادر زارعی زارعی (۱۳۹۷)، تعامل مفهوم هویت با مفاهیم فضایی، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، دوره ۹، شماره ۱.
- جان. ام. کالینز، بایندر، کوروش (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ، تهران: مرکز مطالعات وزارت امور خارجه.
- رضائی، صادق و حسن حاجی پور و کوثر کیاده (۱۳۹۱)، مطالعات جغرافیایی نظامی، پژوهشکده امام باقر (ع).
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، تحقیقات جغرافیایی، انتشارات دانشگاه اصفهان، شماره ۸۳
- رستمی، محمود (۱۳۷۸)، فرهنگ واژه‌های نظامی، نشر ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران

- چوخاچی زاده مقدم، محمد باقر و داوود امینی قشلاقی (۱۳۹۱)، بسترهای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی غربی از منظر جغرافیای نظامی - امنیتی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سالششم، شماره ۳
- ترابی، مظفر (۱۳۷۹)، سند: سیاست ایالات متحد آمریکا در قبال ایران، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، تابستان - شماره ۳ از ۱۴۶ تا ۱۵۴.
- میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹)، ترجمه‌ی عبدالقیوم سجادی، نیم نگاهی به مفهوم امنیت، قم: فصلنامه‌ی علوم سیاسی، سال سوم، شماره‌ی ۹، صص ۸۰، ۸۵
- میرحیدر، دره (۱۳۷۷)، ژئوپلیتیک: ارائه تعریفی جدید، تهران: فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۳
- پرسکاتجی، از (۱۳۵۸) گرایش های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اخباری، محمد و نامی، محمدحسن (۱۳۸۸)، جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران: ناشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سجادپور، سید محمد کاظم (۱۳۹۵)، چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین المللی مطالعه موردی ایران، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، دوره ۶، شماره ۲۱
- میره‌ای، محمد و عارفی مسلم و رشنوفر آیت (۱۳۹۲)، پژوهشی بر توسعه‌یافتگی و نابرابری های آن در استان لرستان، صفحه: از ۱ تا ۱۶ منبع: (<http://www.ostan-ks.ir>)
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران: انتشارات سمت.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، اقداماتی برای ایجاد اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
- حافظ نیا، محمد (۱۳۸۳)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.
- استانداری استان گرمانشاه، ۱۳۹۸ <http://www.ostan-ks.ir>
- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۸ <https://www.mcth.ir>
- فرمانداری کرمانشاه، ۱۳۹۸ <http://www.ostan-ks.ir/kermanshah>
- وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۸ <https://www.mimt.gov.ir>
- استانداری کردستان، ۱۳۹۸: ر. ک [kurdestan.msy.gov.ir](http://kurdestan.msy.gov.ir)
- استانداری کردستان، ۱۳۹۸: ر. ک [kurdestan.msy.gov.ir](http://kurdestan.msy.gov.ir)
- وزارت کشور، ۱۳۹۸ <https://www.moi.ir>